



انقلاب اسلامی و تحولات نظام سیال بین‌الملل؛ از نظریه تا عمل

سید علی قادری

استاد دانشگاه، پژوهشگر تاریخ

s.ghaderiali@gmail.com

چکیده

نظام بین‌الملل فعلی را نظم سیال نامیده‌ام؛ و تصور می‌کنم نظم فعلی آرمانی‌ترین نظامی است که بشر از قرارداد و ستفالی به بعد در حال تجربه آن است؛ هرچند ممکن است با مطلوب‌های ملت‌های مختلف فاصله‌های نجومی داشته باشد. البته چندی است که مختصاتی از آن رجعت به نظم‌های گذشته دارد.

معتقدم اثرات سه انقلاب موفق یعنی انقلاب استقلال طلبانه هند به رهبری ماهاتما گاندی و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی^(۶) و انقلاب آرام ضد آپارتاید آفریقای جنوبی به رهبری نلسون ماندلا، هم بر نظام و هم بر نظم بین‌المللی فعلی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بسیار مثبتی بر جای گذاشته و موضوعات اصلی آن را به سوی ارزش‌های مشترک بشری متحول کرده است.

واژگان کلیدی: نظم بین‌المللی، نظام سیال، امام خمینی^(۶)، اصل دعوت قاعده نفی سبیل، امپراتوری

مقدمه

نظام بین‌الملل فعلی را طی مقالاتی که به برخی مختصات آن پرداخته‌ام، نظم سیال نامیده‌ام؛ و تصور می‌کنم نظم فعلی به دلایلی که ذکر خواهد شد، آرمانی‌ترین نظامی است که بشر از قرارداد وستفالی به بعد در حال تجربه آن است؛ هرچند ممکن است با مطلوب‌های ملت‌های مختلف فاصله‌های نجومی داشته باشد. البته در دهه اخیر مختصاتی از آن رجعت به نظم‌های گذشته نشان داده که باید آسیب‌شناسانه مورد مطالعه قرار گیرد.

معتمد اثرات سه انقلاب موفق یعنی انقلاب استقلال طلبانه هند به رهبری ماهاتما گاندی و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی^(ره) و انقلاب آرام ضد آپارتاید آفریقای جنوبی به رهبری نلسون ماندلا، هم بر نظام و هم بر نظم بین‌الملل فعلی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بسیار مثبتی بر جای گذاشته و موضوعات اصلی آن را به سوی ارزش‌های مشترک بشری متحول کرده است.

در قبال سؤال مقدری که آیا چنین انقلاب‌هایی علت تحول نظام بین‌الملل بوده، یا نظم بین‌المللی شرایط را برای این به ثمر رسیدن آن‌ها فراهم ساخته؟ کوتاه‌ترین پاسخ آنکه علاوه بر «قاعده تأثیر متقابل»، چون هر نظم بین‌المللی ذاتاً و دائماً در حال تغییر است، برای تأثیرگذاری مثبت، باید با اندیشه مثبت و تعیین اهداف فراملی با آن مواجه شد که خمیرمایه منظومه‌ای اندیشه رهبران این سه انقلاب مثبت‌نگر، امیدوارانه و دارای اهدافی با ارزش‌های متعالی فراملی بوده است. ضمن آنکه تحول در بخش‌های عمده‌ای از ساختار نظام بین‌الملل تابع تحول در ساختار عناصر متشکله آن است که هزاران فرد و نهاد به‌قدر سعه وجودی خود در آن سهم دارند.

توجه به ساختار نظم و نظام بین‌الملل و تعقیب جایگاه انقلاب اسلامی در غیر قطبی و سیال شدن آن مسبوق به سوابقی است که با عنوان تاریخچه به آن اشاره می‌کنم.

مبانی سیاست خارجی اسلام

سال ۶۵ برخی مسئولین کشور احساس نیاز کردند که پژوهشی نسبتاً جامع برای کشف «مبانی سیاست خارجی اسلام» آغاز شود و شروع این مهم در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه بود. افرادی یاری کردند تا طرح جامع آن را سامان دهم. اولین مقاله این پژوهش در بهار سال ۶۶ در مجله سیاست خارجی با

عنوان «طرح تحقیق سیاست خارجی اسلام» (قادری، ۱۳۶۶) منتشر گردید که مطلع شدم امام خمینی^(ره) با نظر مثبت به آن عنایت داشتند.

در آن طرح، اصل «رابطه» با دیگر ملل و دولت‌ها برای هر واحد سیاسی و در هر شکل آن (اعم از ملت - دولت یا بلوک‌های سیاسی و امت) به‌جز موارد استثنایی امری طبیعی و قهری فرض؛ و انواع رابطه در کلی‌ترین شکل، به «آرمانی - انسانی»، «اقتصادی» و «امنیتی» قابل تقسیم بیان شده بود و اما محور اصلی اینکه مبانی مشترک فقهی سیاست خارجی در اسلام دارای سه اصل «دعوت»، «نفی سبیل» و «حفظ دارالاسلام» می‌باشد.

به‌موازات پژوهش فوق، کشف امهات اندیشه‌ای امام خمینی^(ره) بالأخص در زمینه مبانی ایشان به موضوعات فراملی مورد توجه بود؛ لذا هر از گاهی مواضع ایشان را با سه اصلی که به‌عنوان مبانی سیاست خارجی اسلام از میان منابع فقهی شیعه و سنی انتزاع شده بود، در بوته تطبیق قرار می‌دادیم و دریافته‌ام این بود که در سیاست خارجی، تمام رفتار و مواضع امام به تناسب موضوع، با یکی از آن سه اصل منطبق است. به‌عنوان مثال در موضوع اصل «دعوت» قله‌های بارز را در رفتار امام در دوم دی‌ماه سال ۵۷ در «پیام به مسیحیان جهان» و ده سال بعد ارسال «پیام به آقای گورباچف» را در ۱۱ دی‌ماه ۶۷ می‌توان برشمرد. ضمن آنکه در این میان موارد دیگری مانند موضوع «صدور انقلاب» نیز وجود دارد.

در مورد قاعده فقهی «نفی سبیل»، موضع‌گیری امام علیه کاپیتولاسیون در ۴ آبان ۱۳۴۳ که منجر به تبعید ایشان گردید و نیز ابرام بر شعار «نه شرقی نه غربی» مثال‌های بارزی بر پایبندی به این اصل می‌باشد.

از مصادیق روشن «حفظ دارالاسلام» مواضع روشن امام قبل و بعد از انقلاب در قبال رژیم اشغالگر قدس، مواضع روشن ایشان در قبال تجاوز نیروهای نظامی شوروی سابق به خاک افغانستان و نیز دفاع از تمامیت ارضی کشور در قبال تجاوز عراق به ایران را می‌توان نام برد.

اثرگذاری قهری و اثرپذیری انتخابی

سال ۶۶ با مشاهده سؤال و پاسخی در صحیفه امام نظرم به موضوعی معطوف شد که بیانگر عمق نگاه امام به جوهره نظام بین‌المللی بود که در آستان سیال شدن قرار

داشت. آن سؤال در ۱۹ آبان ۵۷ توسط خبرنگار مجله آمریکایی «نیوز ورلد ریپورت» در مصاحبه با امام خمینی^(۵) چنین طرح شد: «آیا هیچ احتمال می‌رود که یک انقلاب موفق در ایران، کشورهای خلیج فارس را نیز تحت تأثیر قرار دهد؟»

پاسخ: «هیچ حادثه‌ای در جهان امروز در هر نقطه‌ای که اتفاق می‌افتد، بدون تأثیر در نقاط دیگر نیست. لکن میزان اثرپذیری مردم در نقاط دیگر بستگی به آگاهی و انتخاب خود آنان دارد.» (صحیفه امام، ج. ۴: ۴۳۴).

در آن زمان استقلال آن کشورها در ابعاد مختلف بسیار محدود بود و قدرت‌ها در آن سرزمین‌ها دارای نفوذ حداکثری و دارای برنامه برای ممانعت در مقابل تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی بودند. با این وصف، امام کمتر از یک سال بعد در ۸ مهرماه ۵۸ در موضوع صدور انقلاب به نحو زیر هم به موردی اشاره دارند که به عنوان عامل مانع تأثیرپذیری کشورهای خلیج فارس از انقلاب است و هم از سوی دیگر تا حدودی امیدوارانه به موضوع ابراز نظر کردند ولی مهم‌تر اینکه علاوه بر آگاهی و انتخاب مردم آن کشورها عامل مهم دیگری را که رفتار جمهوری اسلامی باشد مشروط به شرطی بر آن افزودند: «اگر چنانچه اسلام به آن معنایی که هست در ایران تحقق پیدا بکند، مطمئن باشید که کشورها یکی بعد از دیگری همین رویه را پیدا می‌کنند. الآن هم نمونه‌هایش هست ... و مشغول‌اند؛ از خوف اینکه مبادا از ایران به آنجا سرایت بکند و بی‌خود دست‌وپا می‌زنند؛ ناچار سرایت می‌کند...» (صحیفه امام، ج. ۱۰: ۱۸۱-۱۸۰).

پیگیری اثرات پیام امام به آقای گورباچف

پس از پیام امام خمینی^(۶) به آقای گورباچف در ۱۱ دی‌ماه سال ۱۳۶۸ لازم بود تا اثرات آن پیام در جامعه بین‌المللی پیگیری شود. بدیهی است پژوهش‌هایی از این نوع، محتاج امکانات زیادی است که زحمت جمع‌آوری و ارسال اطلاعات را نمایندگی‌های خارج از کشور می‌کشیدند.

علاوه بر موهبت فوق، دفتر مطالعات با برگزاری همایش‌های مختلف بین‌المللی که از شخصیت‌های اندیشمند داخلی و دیگر کشورها دعوت به عمل می‌آورد؛ امکان مناسبی بود که برخی مکنونات آنان را در برخی زمینه‌ها از جمله موضوع فوق، دریافت نماییم.

اگر بخواهیم برآیند نگرش‌های مثبت توأم با بیم و امید اندیشمندان مختلف از

سراسر جهان را در مورد پیام امام در کوتاه‌ترین عبارت بیان داریم، شاید جمله زیر وافی به مقصود باشد: «پیام امام خمینی^(ع) به آقای گورباچف با عوامل دیگری پیوند خورد و بر امکان بازسازی کمونیسم در شوروی نقطه پایان گذاشت.» (قادری، ۱۳۸۰: ۳۸).

انقلاب رومانی علیه نیکولا چائوشسکو

نیکولای چائوشسکو (ژانویه ۱۹۱۸ - ۲۵ دسامبر ۱۹۸۹) دبیر کل حزب کمونیست رومانی و دومین رئیس دولت آن کشور از سال ۱۹۶۵ زمام کشورش را به دست گرفت. دوران حکومت او در رومانی هم با پیشرفت‌هایی به سبک بلوک شرق توأم بود و هم با سرکوب و روش‌های خشن ملهم از روش‌های استالینی. او در ۲۸ آذر ۶۹ به ایران آمد و در ایران بود که اخباری از اعتراضات علیه سیاست‌های او روی تلکس‌های خبری نقش بست و وقتی دو روز بعد به رمانی بازگشت برای محکوم کردن اعتراضات مبادرت به سخنرانی نمود که مردم او و همسرش را دستگیر و تحویل دادگاه دادند و در ۵ دی‌ماه ۶۹ اعدام شدند.

سال ۶۹ سفیر جمهوری اسلامی ایران در رومانی آقای محمد جمشیدی‌گوهری بود و وقتی وزارت امور خارجه توسط برخی نمایندگان مجلس در خصوص چنین دعوتی مورد سؤال واقع شد، ایشان سپر قرار گرفت اما در سال ۹۲ روزنامه شرق با ایشان مصاحبه‌ای انجام داد که به نظر می‌رسید ایشان سرنگونی چائوشسکو را بیشتر یک توطئه که در بیرون از رومانی طراحی شده بود، می‌داند: (جمشیدی‌گوهری، ۱۳۹۲)

چندی بعد از انقلاب رومانی سفری به آن کشور داشتیم. در ملاقات با آقای «آدریان ناستاسه» وزیر امور خارجه اسبق که پس از این سمت، نخست‌وزیر شد، متوجه شدم به مباحث نظری در مورد نظم نوین جهانی پس از فروپاشی شوروی علاقه نشان می‌دهد و دوست دارد در این مورد بحث مفصل‌تری داشته باشیم. آقای ناستاسه مقدمات زیر را برای بیان سؤال مقدر به زبان آورد:

انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی نه غربی به پیروزی رسید و باید پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را سرآغاز تحولاتی در نظم بین‌المللی دانست، لاقلاً در نظم منطقه‌ای؛ پیام آیت‌الله خمینی به آقای گورباچف موجب شد که رهبران شوروی با جرأت و جسارت بیشتر دست از ایدئولوژی کمونیسم بردارند و همین امر موجب آزادی اقمار شوروی شد.

با این وصف چگونه تأثیر دموکراسی اسلامی بر کشورهای مسلمان اطراف شما چندان قابل مشاهده نیست؟

فروپاشی قطب شرق و تحول مفاهیم

آنگاه که نشانه‌های فروپاشی شوروی بارزتر شد، مطالبی که از سراسر جهان به دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی می‌رسید دلالت می‌داد که اکثر موضوعات مرتبط با نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای در تلاطم قرار گرفته که اذهان بسیاری از اهل اندیشه را نیز طوفانی کرده است؛ و به نظر می‌آید که بسیاری از واژه‌های سیاسی یا تحول مفهومی یافته و یا در حال تغییر است. در چنین شرایطی کثیری از اساتید علوم سیاسی و روابط بین‌الملل کشورمان برای تحلیل وضع پیش آمده و پیش‌بینی و ترسیم شمای آتی به منابع جدیدی احساس نیاز می‌کردند و به همین سبب مراجعات آنان به دفتر مطالعات روزافزون و مباحثی که با کارشناسان آن دفتر داشتند غالباً پر حرارت و پی‌گیرانه بود.

در فضای پراشتاب تحلیلی آن برهه وقتی با برخی اساتید دانشگاه‌ها موضوع «تحول مفاهیم» را مطرح کردم، استقبال زائدالوصفی از آن به عمل آوردند و در اولین همایش پیرامون این موضوع ۳۰ مفهوم به بحث گذاشته شد که توسط ۲۷ دانشمند ایرانی و ۳ سه نظریه‌پرداز از آمریکا، انگلیس و روس طی چهار روز در مهرماه ۶۹ مورد بحث قرار گرفت و مجموعه مقالات آن پس از دوباره‌نویسی در سال ۷۰ در کتابی با همین عنوان منتشر گردید (قادری، ۱۳۷۰).

در خلال مباحثی که از منظر تحول مفاهیم در موضوعات مرتبط با نظام بین‌الملل پیش می‌آمد، به نظر رسید که پرداختن به تحول خود «نظام بین‌الملل» نیز اهمیت فوق‌العاده دارد. چرا که از یک‌سو مختصات آن در هر عصر، هم برآیند و نتیجه تحول روندها است و هم ظرفی است که موضوعات مرتبط با آن ممزوج شده و همان روندهای جاری را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد. لذا با پیش‌زمینه‌ای که با پی‌گیری تأثیر پیام امام خمینی^(ع) به آقای گورباچف در ذهن داشتیم، پس از تنظیم کتاب تحول مفاهیم، شناخت تحولات نظام بین‌الملل را به‌عنوان یکی از جدی‌ترین موضوعات برای مواجهه با نظم پیش‌آمده و نظام نوینی که در آتیه نزدیک شکل خواهد گرفت، در اولویت قرار دادم که حاصل اولیه آن مقاله‌ای شد با عنوان «نظام سیال بین‌الملل».

منظور از نظام سیال این‌که پس از فروپاشی شوروی نظام بین‌المللی دیگر قطبی نیست؛ ولی سؤال از اینکه سیالیت آن از چه هنگام آغاز شده، پاسخی یک جمله‌ای ندارد؛ زیرا نظام بین‌الملل نه تک‌عنصری است و نه موضوعات مطرح در آن تک‌ساختی می‌باشد؛ بنابراین هر بخشی از آن به‌صورت طیفی از قطبی بودن خارج شده است.

طرح نظام سیال در برخی کشورها

به پیشنهاد آقای دکتر علی خرم که هم‌زمان هم مسئول دبیرخانه پیگیری قطعنامه ۵۹۸ بودند و هم مسئولیت گروه مطالعاتی شرق آسیا در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی را به عهده داشتند و قبلاً سفیر جمهوری اسلامی در کشور چین بودند، مقاله نظم سیال را در چند کشور آسیایی از جمله چین، دو کره و اندونزی مطرح کردم که مورد استقبال قرار گرفت. سپس مقاله دیگری در این زمینه از جمله «جایگاه طبیعی کشورها در نظام سیال بین‌الملل» نوشتم که ابتدا در همایشی بین‌المللی در تهران و سپس در هند، پاکستان، جمهوری آذربایجان و تانزانیا ارائه شد. همچنین طی ۲۷ دوره برای آن دسته از گروه‌هایی که از کشورهای نواستقلال جهت گذراندن دوره‌هایی که در مرکز آموزش‌های دیپلماتیک وزارت امور خارجه برگزار می‌شد در خلال درس شناخت نظام بین‌الملل به بحث گذاردم. شگفت این‌که وقتی نظم و نظام سیال را در کلاس‌ها به بحث می‌گذاشتم، درصد بالایی از دانشجویانی که از کشورهای نواستقلال فارغ‌التحصیل شده بودند، به‌رغم آنکه در دانشگاه‌های بلوک شرق با ادبیات نظم و نظام قطبی متصلب خو گرفته بودند، نیز می‌توانستند با مثال‌هایی که عنوان می‌داشتند در جهت نظم سیال همفکری کنند؛ و جالب‌تر این‌که اکثراً سهم قابل توجهی را جهت تحول نظام قطبی به سیال، برای انقلاب اسلامی ایران قائل بودند و بسیاری از آن‌ها نیز ابراز می‌داشتند که اگر پیام امام خمینی^(ع) به آقای گورباچف نبود، شاید آقای گورباچف می‌توانست با برنامه‌های اصلاحی که تحت عنوان گلاسنوست و پروستاریکا طراحی شده بود، مجدداً به حیات نظام کمونیستی شوروی و بلوک شرق ادامه دهد.

مقایسه رفتار بازیگران اصلی نظام‌های قبل با نظام سیال

اگر بخواهیم فصل مشترک نظام‌های پس از پیمان وستفالی را تا نیم قرن قبل از جنگ جهانی اول را انتزاع کنیم، امپراتوری‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی آن نظام‌ها خودنمایی

می‌کنند و مختصه مشترک نظم حاکم بر آن‌ها، رقابت در گسترش قلمرو سرزمینی بوده است. منظور از امپراتوری آن دسته از حکومت‌ها است که توانسته‌اند بر چند قلمرو که قبلاً مستقل بوده حکمرانی یا آن‌ها را ضمیمه قلمرو خود کنند (کولب و گولد: ۹۳). در نیم‌قرن قبل از جنگ جهانی اول امپراتورهای زیر به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل روابط بین‌المللی را تحت سیطره خود داشتند ولی با جنگ جهانی اول و دوم به‌رغم حفظ خمیرمایه‌های فرهنگ سیاسی مایل به خصایص امپراتوری، از لحاظ ساختار و نوع بازیگری متحول شده‌اند که به ۷ مورد آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- **عثمانی:** امپراتوری عثمانی از ۱۲۹۹ تا ۱۹۲۲ م. به مدت ۶۲۳ سال بر بخش عمده‌ای از جهان اسلام شامل بخشی اندکی از اروپا، قسمت عمده‌ای از خاورمیانه در آسیا و نیز بر سرزمین‌های شمال آفریقا حکمرانی کرد و با پایان جنگ جهانی اول فروپاشید.

قلمرو عثمانی در اوج اقتدار ۵/۶ میلیون کیلومتر بود که گاه بخش‌هایی توسط دیگر امپراتوری‌ها دست‌به‌دست می‌شد. چون عثمانی با نام خلافت بر بخش‌های از سرزمین‌های مسلمان‌نشین حکمرانی می‌کرد، نوعی وحدت لاقبل ظاهری در میان جمعیت زیادی از مسلمانان سنی مذهب ایجاد نمود و لذا یکی از بازیگران اصلی و فعال نظام بین‌الملل با روش به‌ظاهر اسلامی قلمداد می‌شد. چنانکه امام خمینی^(۵) به‌رغم آنکه چنین حکومتی را از نظر معیارهای اسلامی مقبول نمی‌دانستند و سال ۱۳۴۹ در نامه‌ای به انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا به نحو زیر این معنا را بیان داشتند: «حکومت‌های جائزانه ضد اسلامی اموی و عباسی و عثمانی را به اسم خلافت اسلامی به جامعه‌ها تحویل داده‌اند و چهره واقعی اسلام را در پشت این پرده‌ها پنهان نگاه داشته به طوری که امروز مشکل است ما بتوانیم حکومت اسلام و تشکیلات اساسی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن را بر جوامع بشری حتی مسلمین - بفهمانیم...» (صحیفه امام، ج. ۲: ۲۸۲). با این وصف در سال ۴۳ که موضوع فروپاشی مرتبط با بازیگران استعمارگر بوده به جهت آنکه عثمانی نوعی وحدت در میان کثیری از مسلمانان در مقابل امپراتوری‌های غربی ایجاد کرده بود، برای انداز به مسلمانان تحت تسلط بیگانگان، با این بخش از تبعات وجودی آن، به نحو مثبت برخورد کرده‌اند: «... دولت عثمانی یکی از دولی بود که اگر با شوروی طرف می‌شد، گاهی او را زمین می‌زد؛ سایر دول حریف میدان او نبودند. دولت عثمانی یک دولت اسلامی بود که سیطره‌اش گرفته بود تقریباً

از شرق تا غرب را. آن‌ها دیدند که با این دولت اسلامی به این قوی‌ای نمی‌شود چاره‌ای کرد؛ نمی‌شود ذخایر را برد. بعد از اینکه در آن جنگ - با آن بساط غلبه پیدا کردند، تجزیه کردند دولت عثمانی را به دول بسیار کوچک کوچک... این دولت عثمانی در تحت ظل خلافت اسلامی، در تحت ظل اتکای به قرآن مجید، آن مجد را داشت» (صحیفه امام، ج. ۱: ۳۷۵).

اگر ببینیم که سابقه تاریخی ملت‌ها در ساختار فرهنگی آن‌ها مانند ضمیر ناخودآگاه عمل می‌کند، آنگاه ادبیات سردمداران حزب عدالت و توسعه ترکیه فعلی را بنگریم، درمی‌یابیم که آرزوی امپراتوری شدن دوباره در آن‌ها قابل کشف و بر رفتار سیاسی فعلی آن‌ها نیز تأثیر گذارده است.

۲- **بریتانیا:** قلمرو بریتانیا در اوج اقتدار ۳۳/۷ کیلومتر مربع بود که حدود یک سوم خشکی‌های جهان را شامل می‌شد و قبل از جنگ جهانی اول بر یک چهارم جمعیت جهان که حدود ۴۵۰ میلیون نفر می‌شد تسلط یافته بود.

امپراتوری بریتانیا از جهات مختلف از جمله موارد زیر با امپراتوری عثمانی متفاوت بود:

۱-۲: انگلیس‌ها اگرچه اکثراً مسیحی بودند ولی امپراتوری آن‌ها سکولار یا مبتنی بر لائیسزم بود.

۲-۲: متصرفات بریتانیا برخلاف عثمانی در اطراف و اکناف جهان پراکنده بود.

۳-۲: جمعیت مستعمرات بریتانیا برخی به‌عنوان برده و برخی دیگر نیروی کار؛ و حاکمان محلی آن‌ها نیز مباشر و کارگزار محسوب می‌شدند.

۴-۲: در اکثر متصرفات خود مروج زبان انگلیسی بودند.

۵-۲: عثمانی از لحاظ جغرافیایی حائل بین اروپا، آسیا و آفریقا بوده ولی به‌رغم چنین حائل عینی نتوانست مانع دست‌اندازی امپراتوری‌های غربی نظیر پرتغال، اسپانیا و بریتانیا به سرزمین‌های شرقی گردد اما انگلستان به‌رغم جزیره بودن توانست بر یک سوم سرزمین‌های دارای تمدن‌های کهن دست‌اندازی کند.

۶-۲: در جهان اسلام حتی در امپراتوری عثمانی زمانی که برده‌داری شرف اشراف تلقی می‌شد، آزادسازی بردگان به‌عنوان ارزش دینی مطرح بود اما در اغلب امپراتوری‌های غربی، شرافت اشراف با تعداد در اختیار گرفتن بردگان نیز سنجیده می‌شد.

۷-۲: بریتانیا برخلاف عثمانی در دوران مدرنیته تبدیل به امپراتوری شد و نهایت سلطه فرهنگی خود را بر سرزمین‌های اسلامی بسیار پررنگ‌تر از سلطه عثمانی مانا

نمود.

۳- فرانسه: این کشور در تصرف سرزمین‌های دیگر بزرگ‌ترین رقیب برای بریتانیا، عثمانی و روسیه بود و قلمرو آن در سال ۱۷۴۰ بالغ بر ۲۴/۵ میلیون کیلومتر مربع بود که پس از جنگ جهانی دوم نیز برخی متصرفات خود را در اختیار داشت. در خلال جنگ جهانی اول در نهم ماه مه ۱۹۱۶ موافقت‌نامه‌ای سری بین بریتانیا و فرانسه و با اطلاع و رضایت روسیه برای تقسیم سرزمین‌های تحت سلطه امپراتوری عثمانی برقرار گردید که به سایکس - پیکو یا موافقت‌نامه آسیای صغیر مشهور و پس از جنگ به منصفه اجرا درآمد. اجرای این توافقنامه به‌تنهایی هم می‌تواند بیانگر یکی از مهم‌ترین مختصات نظم بین‌المللی قبل و بعد از جنگ جهانی باشد؛ زیرا در آن نظم، اشرافی از امپراتوری‌ها برای مردم سرزمین‌های دیگر سرنوشت سیاسی تعیین می‌کردند. یکی از اثرات بسیار منفی این قرارداد این بود که وقتی ملت‌های مسلمان رها شده از یوغ عثمانی، مجبور به قیام علیه کشورهایی می‌شدند. که رفتاری ستمگرانه‌تر از عثمانی داشتند، با حکومت‌های نظامی به‌ظاهر خودی ولی دست‌نشانده مواجه می‌شدند.

مهم‌ترین دستاورد فرانسه در جهت مثبت اینکه خاستگاه اولیه موضوع حقوق بشر که پس از جنگ جهانی دوم به‌صورت اعلامیه حقوق بشر طرح گردید، متعلق به آن کشور می‌باشد که در سال‌های آخر نظم پس از جنگ جهانی دوم جزو موضوعات مهم نظم سیاسی بین‌المللی قرار گرفت و در نظم سیال فعلی تا حد ایدئولوژی نظم بین‌المللی ارتقاء جایگاه یافته است.

امپراتوری فرانسه مانند اکثر امپراتوری‌های دیگر در متصرفات خود جنایات زیادی مرتکب شد اما چون ایران کمتر تحت سلطه سیاسی فرانسه بوده، تاریخ ایران خاطرات تلخی از سیاست خارجی فرانسه را نشان نمی‌دهد و یکی از دلایلی که امام خمینی^(ره) پس از فشار رژیم عراق بر ایشان جهت توقف فعالیت سیاسی و برخورد نامناسب کویت، فرانسه را انتخاب کردند، این بود که فرانسه در ایران سابقه سیاسی سیاه پررنگ از خود باقی نگذاشته بود. با این وصف پس از پیروزی انقلاب اسلامی سیاست خارجی فرانسه در بسیاری از موارد در تعارض آشکار با انقلاب اسلامی بوده است. با این وصف تأثیر نفوذ فرهنگی فرانسه بر روشنفکران و نویسندگان ایرانی و نیز تأثیر آن در قانون اساسی مشروطه قابل انکار نیست که البته اگر از بخش غرب‌زدگی آن صرف‌نظر شود،

تأثیر فرهنگی این کشور را نمی‌توان نسبت به دیگر کشورهای اروپایی چندان منفی تلقی کرد. با این وصف تاراج اشیاء موزه‌های از ایران که در حکومت قاجار و پهلوی بیشتر سهم فرانسویان شده بود نیز از جمله رفتارهای منفی این کشور در قبال ایران می‌باشد.

۴- امپراتوری روسیه: بعد از بریتانیا از لحاظ وسعت خاک، روسیه بزرگ‌ترین امپراتوری می‌باشد که از ۲۲ اکتبر ۱۷۳۱ تا انقلاب بلشویکی در فوریه ۱۹۱۷ به مدت ۱۸۶ سال علاوه بر اینکه بخش عمده‌ای از قطب شمال کره زمین را در اختیار داشت، با شرقی‌ترین کشورها مانند چین و ژاپن و با غربی‌ترین قاره یعنی آمریکا همسایه شده بود. همچنین بر بخش‌های عمده‌ای از اروپا، آسیا و آمریکا حکومت می‌کرد. پادشاهان این امپراتوری که تعداد آن‌ها ۱۴ نفر بود تزار نامیده می‌شدند. سه تن از تزارهای این امپراتوری از شهرت جهانی برخوردارند اولی «پتر» که لقب کبیر گرفت؛ دومی نیکلای دوم که به‌عنوان مقتدرترین امپراتور زمان خود محسوب می‌شد و سومی کاترین کبیر که به مدت ۳۴ سال حکومت کرد و بیشترین دوران سلطنت را در میان تزارها داشت. در میان ژاپنی‌ها نیکلای دوم شهرت بسزایی دارد زیرا در سال ۱۹۰۴ به ژاپن اعلام جنگ داد و سال ۱۹۰۵ شکست سختی خورد و این پیروزی برای ژاپن نوعی غرور ملی ایجاد نمود که موجب شد در جنگ جهانی اول و دوم کثیری از مردم ژاپن در جنگ به‌صورت تهاجمی شرکت فعال داشته باشند و از سوی دیگر موجب گردید انقلاب بلشویکی در روسیه سرعت بگیرد.

امپراتوری روس دو جنگ نیز با ایران داشت که اولی مدت ده سال به طول انجامید و با عهدنامه گلستان بخشی‌هایی از خاک ایران ضمیمه خاک روسیه گردید. در دومین جنگ (۱۸۲۶-۱۸۲۸) که با تحریک بریتانیا انجام شد دوباره ایران شکست خورد و با میانجیگری مزورانه بریتانیا بخشی‌هایی از قلمرو ایران طی دو قرارداد ترکمانچای برای صدسال به روس واگذار گردید. یک‌بار دیگر در سال ۱۹۰۷ انگلیس و روس طی قراردادی بین خود ایران را به شمال و جنوب تقسیم کردند که جنوب سهم انگلیس و شمال به‌عنوان سهم روس در نظر گرفته شد که البته این قرارداد در عمل به‌نحوی که آن دو امپراتوری می‌خواستند به اجرا درنیامد.

روسیه در ۵۰۰ سال اخیر به‌جز دو جنگ جهانی اول و دوم مبادرت به ۶۸ جنگ با همسایگان خود داشت که در تعدادی از آن‌ها بر قلمرو خود افزود و به میزان

جایگاه ژئوپلیتیکی خود سهم بازی داشت اما پس از تبدیل شدن به شوروی، سهم تعیین‌کنندگی بیشتری در نظم بین‌المللی یافت؛ زیرا علاوه بر آنکه ۱۵ کشور را تابع خود کرد، بر تعدادی اعمار در حوزه بالکان و اروپای شرقی و نیز در چند کشور قاره آمریکا نفوذ داشت و لذا یک قطب بسیار مؤثر در نظام بین‌الملل محسوب می‌شد. ضمن آنکه پس از انقلاب چین، به‌رغم رقابتی که بین این دو وجود آمد، جمعیت مجموعه کشورهای کمونیستی حدود یک‌سوم جمعیت کره زمین را شامل می‌شد که این جمعیت به‌ظاهر کمونیست به قدرت ظاهری شوروی نیز می‌افزود.

سابقه امپراتوری روسیه به‌علاوه سابقه‌ای که به‌عنوان مادر بلوک شرق بر آن قلمرو قابل حمل بود، موجبی است که پس از نظام سیال، میل به بازگشت به‌نظام قطبی در این کشور، میلی نسبتاً آشکار و قابل توجه باشد. با این تفاوت که چون نظام حکومتی روسیه دیگر تبلیغ‌گر مارکسیسم نیست، سهل‌تر می‌تواند در کشورهای دیگر از جمله کشورهای اسلامی در زمینه‌هایی رقیب بلوک غرب محسوب شود.

۵- امپراتوری چین: چین از قبل از میلاد تاکنون کم‌وبیش تاریخ پیوسته داشته و تا سال ۱۹۱۱ م ۲۵ سلسله بر کل و گاه به‌طور موازی بر بخش‌هایی از آن حکومت کرده‌اند. پادشان، شهریاران، فرمانروایان و امپراتورهای چین را گاه خاقان یا فغفور می‌نامیدند. چنانکه در شاهنامه فردوسی ۴۰۹ بیت در مورد رزم افسانه‌ای خاقان با رستم آمده است (شریفی و جعفری، ۱۳۸۷).

چین از زمان ساخت جاده ابریشم تا ۱۷۹۰ که گسترش قلمرو نفوذ آن بالغ بر ۱۴/۷ میلیون کیلومتر مربع شد از لحاظ اقتصادی کم‌وبیش موقعیت ممتازی در تجارت کسب کرد اما با قوام‌گیری کمپانی هند شرقی و استعمار هند توسط بریتانیا و معاوضه تریاک هندی با کالای چینی، وضعیت اسفباری بر آن امپراتوری حاکم شد و نهایت چهار سال پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۹ با پیروزی حزب کمونیست به رهبری «مائو تسه تونگ» و چیرگی سوسیالیسم در قلمرو فعلی آن، چین در بلوک شرق سیاسی قرار گرفت ولی استقلال سیاسی - نظامی خود را در هماهنگی با شوروی سابق از دست نداد.

انقلاب چین دو سال بعد از انقلاب هند یعنی در سال ۱۹۴۹ به ثمر نشست اما آن انقلاب را نمی‌توان مانند انقلاب هند از عوامل تسهیل‌کننده نظم سیال به‌حساب آورد، چرا که اگر چه انقلاب آن کشور به امپراتوری «چیانگ کای شک» پایان داد و کشور

چین را روی ریل توسعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی قرار داد تا جایی که پس از چندی رقیب سیاسی - نظامی غرب محسوب شد و توانست در شورای امنیت دارای حق وتو شود؛ اما حرکت پرشتاب آن کشور در ارتباط با ایدئولوژی مائوئیسم بود که به نحوی خواسته و ناخواسته هم رقیب و هم مکمل و پشتیبان ایدئولوژیکی مارکسیسم - لنینیسم در منظومه ساختاری و اندیشه‌ای نظم قطبی قرار گرفت. البته پس از مائو وقتی سیاست «درهای باز» مطرح شد آن کشور توانست به رقابت سازشی با غرب بپردازد و پس از آن با نیروی کار ارزان یکی از قطب‌های مهم تولیدی در جهان شود؛ اما چون مانند آمریکا و شوروی نظم قطبی را مطلوب خود می‌داند و آن را هدف قرار داده و به سوی آن گام بر می‌دارد، نمی‌توان آن انقلاب را یکی از عوامل شتاب‌دهنده نظم سیال به حساب آورد، بلکه به عکس باید تثبیت‌کننده نظام قطبی قلمداد نمود. ضمن اینکه چین در زمینه مردم‌سالاری چند گام بلند به عقب برداشته، زیرا در نیمه دوم اسفند سال (۱۳۹۶ ش) پارلمان آن کشور محدودیت برای نامزدی ریاست جمهوری را برداشت و مطبوعات چین از این تصمیم حمایت کردند. (ایسنا، ۲۲ اسفند ۱۳۹۶).

۶- امپراتوری ژاپن: ژاپن یکی از امپراتوری‌های قدیمی جهان می‌باشد که گویا در سال ۶۶۰ قبل از میلاد تأسیس شده و تاکنون ۲۸ سلسله امپراتوری بر آن حکومت کرده‌اند و با آنکه هم‌اکنون جزو کشورهای دمکراتیک محسوب می‌شود، به صورت نمادین همچنان دارای امپراتور می‌باشد.

ژاپن از سویی در اوج اقتدار یعنی در سال ۱۹۴۲ بر حدود ۷/۴ میلیون کیلومتر مربع حکمرانی می‌کرد و از سوی دیگر قلمرو اصلی و فعلی آن جزو سرزمین‌های نامرغوب، زلزله‌خیز و بسیار تهی از حیث معادن و منابع طبیعی است و از سوی دیگر سومین اقتصاد برتر جهان را به خود اختصاص داده است.

تاریخ ژاپن نشان می‌دهد که مردم آن سرزمین بسیار جنگجو و توسعه‌طلب و گاه بسیار خشن بوده‌اند و در جنگ‌هایی که حتی با قدرت‌های بزرگ زمانه خود مانند چین، روسیه و آمریکا داشته‌اند، نائل به پیروزی‌های شگفت‌آوری شده‌اند. چنانکه مشهور است که یکی از علل شکست سزار روسیه و پیروزی بلشویک‌ها که به ظهور شوروی سابق منجر شد، شکست مفتضحانه روسیه از ژاپن بود.

شگفت‌تر اینکه ظرفیت تحول‌پذیری ژاپنی‌ها به گونه‌ای است که پس از جنگ دوم جهانی شکست سختی که از آمریکا خوردند، ارتش را برای سازندگی کشور منحل و

اکنون به‌عنوان یکی از صلح‌طلب‌ترین ملل دنیا شهره شده‌اند.

یکی از موارد جالب توجه بین روابط ایران و ژاپن اینکه ایران در هر دو جنگ جهانی اول و دوم اعلام بی‌طرفی کرد؛ اما در هر دو جنگ توسط نیروهای بیگانه اشغال شد و در جنگ دوم متفقین به ایران فشار زیادی وارد کردند تا به ژاپن اعلام جنگ دهد و ایران در ۹ اسفند سال ۱۳۲۲ رسماً به ژاپن اعلام جنگ داد. با این حال به علت دوری دو کشور از هم بین ایران و ژاپن حتی یک گلوله ردوبدل نشد. البته ژاپنی‌ها اجبار ایران در اعلام جنگ را به‌خوبی درک کردند و حدود ۹ سال بعد که ایران در کنفرانس صلح ورسای شرکت و عهدنامه صلح با ژاپن را امضاء نمود، بلافاصله سفارتخانه‌های دو کشور بازگشایی و روابط اقتصادی از سر گرفته شد.

لازم به یادآوری است که در قرون میانی تاکنون ژاپن یک بازیگر فعال منطقه‌ای و سپس بین‌المللی بوده که پس از جنگ جهانی دوم ظرفیت ملی خود را صرف پیشرفت اقتصادی و رفاه عمومی کرده و در موضوعات امنیتی و نظامی رفتاری خارج از روال گذشته و غیرقابل مقایسه با رقبای اقتصادی دیگر نشان داده است. لذا می‌توان گفت چنین رفتاری که پس از جنگ دوم از ژاپن بروز کرده، در جهت سیال شدن نظم فعلی دارای اثرات قابل لمس است. ضمن آنکه رفتار مدیران شرکت‌های چند ملیتی ژاپنی موجب بروز نوعی هویت شرکتی به‌موازات هویت ملی نیز شده است.

۷- ایالات متحده آمریکا: با نماد اختصاری (USA) کشوری چندنژادی، چندقومیتی و چندملیتی است که به‌صورت فدرال با ۵۰ ایالت اداره می‌شود. آمریکا سومین کشور پهناور و پرجمعیت جهان است و اگرچه خود مستعمره بوده و امپراتوری را تجربه نکرده اما به امپریالیست بودن شهره شده است و به چهار اعتبار به‌عنوان ابرقدرت از آن نام برده می‌شود.

الف: تولید ناخالص ملی که در دهه‌های اخیر بیش از ۱۸ تریلیون دلار در سال برآورد شده که حدود ۲۴٪ تولید ناخالص کل جهان را به خود اختصاص داده است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۶).

ب: اولین کشور دارای سلاح هسته‌ای است که آن را به کار برده و ترامپ رئیس‌جمهور فعلی از تهدید آشکار کره شمالی با سلاح هسته‌ای ابایی ندارد. همچنین دارای سلاح‌های نوین و نیز ماهواره‌های جاسوسی است که روی هم می‌توان گفت ظاهراً کارآمدترین تجهیزات جنگی را تولید و با عضویت در سازمان بین‌المللی (ناتو)،

توانایی نظامی کشورهای دیگری را ضمیمه توانایی دفاعی و تهاجمی خود نموده است. ج: دارای مقام اول در توانایی تولیدات فناوری‌های رفاهی نو و توانایی جذب دانشمندان مختلف از همه‌جای جهان است.

د: دارای توانایی دسترسی به اطلاعات حداکثری از مردم جهان به‌وسیله سرورهای اینترنتی با ادعای آنکه اگر نیمکره چپ مغز در افراد فکور در کشورهای دیگر اطلاعاتی را به نیمکره راست منتقل نمایند، می‌توانیم به آن اطلاعات دست یابیم (کوهن، ۱۹۹۸).

آمریکا دارای جاذبه‌های است که در کمتر کشوری چنین جاذبه‌های یکجا باهم دیده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- کثرت‌گرایی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اعتقادی، فکری و رفتاری. این خصیصه موجبی است که علاوه بر افراد بومی، هر مهاجری بتواند هم‌سنخ‌های خود را در آن کشور بیابد.

- آزادی نسبی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. به نظر می‌رسد لیبرالیسم در آمریکا علاوه بر مشی حکومتی و نیز فلسفه سیاسی تا سرحد یک ایدئولوژی ارتقاء مفهوم یافته و این معنا حتی در امور عادی تبلور دارد. با این وصف نقض آزادی بیان در برخی موارد چنان است که شگفت‌آور می‌نماید. چنانکه وقتی نیروهای چندملیتی به عراق حمله کردند، مطبوعات آمریکایی حق انعکاس اخبار واقعی بالأخص تلفاتی که به مردم غیر نظامی وارد می‌شد را نداشتند. همچنین در موضوع حمله به برج‌های دوقلو که به فاجعه ۱۱ سپتامبر مشهور شد، اگر کسی به‌درستی اطلاعاتی که دولت در اختیار مطبوعات می‌گذاشت، تشکیک می‌کرد، حق رسانه‌ای کردن آن را نداشت.

- جاذبه‌های طبیعی و صنعتی. وسعت خاک آمریکا که با جزایر آن مجموعاً ۹,۸۲۶,۶۳۰ کیلومتر مربع می‌باشد، دارای جاذبه‌های طبیعی متنوعی است و به علت پیشرفت صنعتی، وسائل رفاهی و تفریحی آن نیز دارای تنوع می‌باشد.

امکانات نسبتاً اختصاصی آمریکا

- نظر به آنکه سازمان ملل متحد و برخی سازمان‌های وابسته در خاک آمریکا قرار دارد و به‌طور دائمی هیئت‌های سیاسی و خانواده آن‌ها از تمام کشورها به آن کشور رفت‌وآمد دارند، از سویی آمریکا از این جهت حیثیت بین‌المللی یافته و از سوی دیگر

با اختیاراتی که در صدور یا عدم صدور ویزا برای ورود هیئت‌های نمایندگی دارد، نوعی اعمال نظر می‌کند. ضمن آنکه حضور هیئت‌های عالی‌رتبه سیاسی از همه جای جهان در آن کشور، امکان تخلیه اطلاعاتی در موضوعات سری را نیز توسط دستگاه‌های جاسوسی آمریکا تسهیل می‌سازد.

- دارای زبانی بین‌المللی. با توجه به آنکه امروزه زبان انگلیسی به‌عنوان اولین زبان بین‌المللی در کل جهان مطرح می‌باشد و این زبان در آمریکا عملاً جاری است، بین‌المللی بودن زبان متداول در آن کشور بر قدرت نرم آن افزوده است.

- کثرت نژادی و فرهنگی. علاوه بر بومیان سرخ‌پوست، پس از کشف این قاره بخش‌های مهم آن توسط بسیاری از استعمارگران اروپایی اشغال گردید و اروپاییان از آفریقا و بسیاری از کشورهای آسیایی نیروی کار زیادی چه به‌صورت مزدور و چه به‌صورت برده به آن قاره روانه کردند. لذا اکثریت جمعیت فعلی قاره آمریکا بالأخص ایالات متحده ریشه اروپایی، آفریقایی و آسیایی دارند؛ و پس از استقلال ایالات متحده در سال ۱۷۷۶، مهاجرین بسیاری از اطراف دنیا به‌صورت پناهنده یا نیروی فکری و کاری، به آمریکا سرازیر شدند. لذا هویت ملی آن کشور را می‌توان با مسامحه فراملیتی نامید که موجب شده فرهنگ آمریکایی نسبت به بلوک رقیب راحت‌تر با فرهنگ‌های دیگر سازگاری نشان دهد.

آمریکا در جنگ جهانی اول

آمریکا به علت دوری از کانون بحران، ابتدا در جنگ حضور نداشت اما به علت خطای تاکتیکی آلمان در غرق کردن یک کشتی مسافری انگلیسی بنام لوسیتانیا که منجر به کشته شدن ۱۲۰۱ آمریکایی گردید، آن کشور نیز با تحریک انگلیس و فرانسه علیه آلمان وارد جنگ شد و موجبات پیروزی متفقین علیه متحدین را فراهم نمود و از آن‌پس آمریکا به‌عنوان یک قدرت نظامی فعال نظم و نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌داد.

آمریکا در جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم فاجعه‌بارترین جنگ تاریخ است و آغازگران آن کشورهای اروپایی بالأخص نازی‌های آلمان بودند که به‌رغم تجربه جنگ اول دوباره دست به ارتکاب

جنگی به مراتب وحشیانه‌تر زدند که جمعیت کل کره زمین را تحت تأثیر تبعات منفی آن قرار داد. نکات زیر از مشهورات مشترک مرتبط با جنگ دوم است که هر اهل پژوهشی که با تاریخ سیاسی معاصر جهان آشنا است، نسبت به آن آگاهی دارد:

- جرعه جنگ دوم مانند جنگ اول در اروپا زده شد؛
- آلمان در این جنگ جنایاتی مرتکب شد که اکنون ملت آلمان آن بخش از تاریخ خود را موجب شرمندگی می‌داند.
- به‌جز سوئیس که در جنگ بی‌طرف ماند و بانک‌های آن کشور از بی‌طرفی نفع فراوان بردند، بخش عمده‌ای از کشورهای قاره اروپا پس از جنگ چنان با فقر کمرشکن درگیر گردیدند که محتاج کمک‌های آمریکا شدند.
- آمریکا پس از جنگ با ارائه طرح مارشال برای بازسازی به کمک اروپا رفت و از قبل این کمک وضعیت اقتصادی خود را ارتقاء بخشید.
- آمریکا با به‌کارگیری سلاح هسته‌ای در هیروشیما و ناکازاکی خود را به‌عنوان تنها ابرقدرت نظامی آن زمان در سطح بین‌المللی مطرح ساخت.
- پس از جنگ، سازمان ملل متحد شکل گرفت و پس از مدتی در شورای امنیت که یکی از مهم‌ترین رکن این سازمان می‌باشد پنج دولت دارای حق وتو شدند ولی آمریکا فراتر از امکانی که حق وتو در اختیار آن کشور می‌گذاشت، رفتاری زیاده‌خواهانه از خود نشان داد.
- سال‌هایی که آمریکا از حیث نظامی و اقتصادی خود را بی‌رقیب حس می‌کرد، نوعی از رفتاری سیاسی در پیش گرفت که در میان برخی ملل جهان به‌عنوان امپریالیسم و جهان‌خوار شهره شد.

مقدمات سیال شدن نظام بین‌الملل

اگر قبل از جنگ جهانی را نظام اول فرض کنیم، اقطاب آن امپراتورهای فوق‌الذکر بودند که به مختصات آن‌ها اشاره شد.

اگر نظام دوم را بین جنگ اول و دوم جهانی در نظر بگیریم، اولاً بازیگری مهم بنام امپراتوری عثمانی از صحنه بین‌الملل حذف شد. ثانیاً شوروی یک قدرت رقیب برای اروپا و یک قطب برای برخی کشورهای آسیب‌دیده از استعمار سنتی گردید و سوم آنکه قدرت تازه نفسی به نام آمریکا نقش بیشتری در صحنه بین‌الملل یافت.

سومین نظام بین‌المللی را پس از جنگ جهانی دوم باید در نظر گرفت. در این نظام آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی - نظامی و صنعتی در صحنه بین‌الملل حضور جدی‌تری یافت و پس از چندی جنگ سرد آغاز شد که گاه با نام صلح مسلح از آن نام می‌برند؛ اما نظم سوم به‌رغم قطبی بودن به علل زیر در معرض تحولات جدی قرار گرفت:

- در نظم سوم سازمان‌های بین‌المللی فراوانی اعم از دولتی، مردم‌نهاد و تلفیقی تشکیل گردید که کم‌کم با هویت سازمانی مستقل به‌عنوان بازیگران صحنه بین‌الملل نقش تعیین‌کننده به عهده گرفتند.

- همگام با ازدیاد سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی تأثیرگذار تأسیس گردید که برخی از آن‌ها تا آنجا قدرتمند شدند که علاوه بر تأثیرگذاری در زمینه اقتصادی در موضوعات اساسی سیاست بین‌الملل نیز قادر به اثرگذاری هستند.

- رشد و توسعه رسانه‌های ارتباط جمعی باعث شد حوزه نفوذ نخبگان مستقل هر کشور در زمینه‌های مختلف از مرزهای دولت‌های خود فراتر رود و دامنه تأثیرگذاری آن‌ها در اکثر موضوعات بین‌المللی به‌گونه‌ای افزایش یابد که آن‌ها را نیز باید در جرگه بازیگران اصلی صحنه بین‌الملل به‌حساب آورد. بدیهی است که این نوع بازیگران جهت‌گیری نظم چهارمی که در حال شکل‌گیری بود را نرم‌تر، با قابلیت انعطاف‌پذیری بیشتر و دارای موضوعات فراوان‌تری نمودند. ضمن آنکه چون نخبگان مستقل کمتر پایبند خواست دولت‌ها هستند، درک آن‌ها از منافع ملی، به مصالح بشری نزدیک‌تر است تا به مطامع زمامداران دولتی.

بنابراین از اواسط نظم سوم به میزان قدرت گرفتن این سه بازیگر، نظم چهارمی به‌صورت طیفی آغاز شد که دارای پشتوانه‌های سترگی بود که مهم‌ترین یا ظاهرترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- پیروزی انقلاب هند به رهبری ماهاتما گاندی علیه امپراتوری بریتانیا؛
 - شکل‌گیری نهضت یا جنبش عدم تعهد با پیشگامی و ابتکار «جواهر لعل نهرو» نخست‌وزیر هند، «احمد سوکارنو» رئیس‌جمهور اندونزی، «یوسیب بروز تیتو» رئیس‌جمهور یوگسلاوی، «قوام نکرومه» رئیس‌جمهور غنا و «جمال عبدالناصر» رئیس‌جمهور مصر.
- اکنون این جنبش دارای ۱۲۰ عضو اصلی و ۱۷ عضو ناظر می‌باشد. چنین جنبشی با همه کم‌رنگی و کم‌خاصیتی لاقابل از این حیث که از لحاظ ظاهر، نظام قطبی را برنمی‌تافت، به نظم قطبی ترک وارد ساخت؛

- ناتوانی آمریکا در جهت شکست ویتنام و خشنودی اکثر شهروندان آمریکایی از رها کردن جنگ؛
- پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛
- شکست شوروی جهت تحمیل حکومت کمونیستی در افغانستان و نهایت فروپاشی آن.

انقلاب اسلامی و جلوگیری از تسلط کامل گفتمانی آمریکا

با مطرح شدن آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت اقتصادی و نظامی، اهداف سیاست خارجی آن کشور از تعقیب منافع ملی به‌سوی تعقیب مطامع سوق داده شد و بسیاری از روشنفکران جهان در مورد آینده جهانی که آمریکا مهم‌ترین قطب آن باشد و تسلط گفتمانی آمریکایی بر کشورهای در حال توسعه محقق شود، احساس خطر کردند و چون به همان میزان از سوی شوروی نیز احساس خطر می‌کردند مبادرت به تشکیلاتی بنام نهضت عدم تعهد نمودند اما در عمل بسیاری از کشورهای عضو عدم تعهد به‌سوی یکی از اقطاب گرایش نشان دادند و در چنین شرایطی نهضت‌های دیگری در برخی کشورهای جهان از جمله در ایران شکل گرفت که در میان اقشاری از ملت هم‌گفتمان و هم‌رفتار غرب و شرق را به چالش کشید. البته تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که بنام آمریکا در تاریخ سیاسی ثبت شد، به‌جز حزب توده که از شوروی خط فکری می‌گرفت، افکار عمومی در ایران کمتر نسبت به آمریکا نظر منفی داشت؛ اما چندی پس از کودتا که ریچارد نیکسون نایب‌رئیس جمهوری وقت آمریکا برای دیدار رسمی به ایران آمد و تظاهرات دانشجویی در دانشکده فنی دانشگاه تهران علیه این دیدار موجب شد که سه دانشجو به شهادت برسند، مبارزه با آمریکا به‌عنوان یک امپریالیست لاقدر در سطح افراد تحصیل‌کرده جنبه عمومی‌تری به خود گرفت. با این وصف این مورد مانع حضور جدی آمریکا در ایران نشد و تا جایی این نفوذ روزافزون گردید که رژیم شاه به‌عنوان دست‌نشانده آمریکا جهت ژاندارمی منطقه شهره شد و اسرائیل نیز با نفوذ در دربار شاه تأسیس سفارت در تهران را بر ایران تحمیل کرد.

در سال ۴۰ آمریکا برای جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران برنامه‌ای به نام «رستو - کندی» را طراحی نمود که با فوت مرجع یگانه مرحوم آیت‌الله بروجردی در فروردین ۴۱ شاه جرئت اجرای آن را یافت که با نام‌های «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و ملت»

مشهور گردید.

وقتی برای امام خمینی^(ع) محرز شد که شاه توسط آمریکا مجبور به نوعی اصلاحاتی شده که ایران را در زمینه کشاورزی فلج، در زمینه صنعتی وابسته و در زمینه سیاسی بیشتر تابع غرب خواهد نمود، دی‌ماه سال ۴۱ دست به افشاگری علیه رژیم شاه و آمریکا زدند. ۱۴ خرداد سال ۴۲ نیز وابستگی رژیم شاه به غرب را طی سخنرانی مشهور عصر عاشورا (صحیفه امام، ج. ۱: ۲۲۴) بیان داشتند که منجر به زندانی شدن ایشان و سرکوب خونین تظاهرات مردم گردید.

شناخت امام از موضوعات بین‌المللی در سال‌های اول شروع نهضت

وقتی امام خمینی^(ع) در فروردین سال ۴۳ از حصر خانگی که در محله قیطریه شمیران بود، آزاد و به قم بازگشتند، ۲۵ فروردین در ملاقات عبدالکریم هاشمی‌نژاد و گروهی از طلاب مشهد که علت آزادی علمایی که در پانزده خرداد دستگیر شده بودند را پرسیدند، امام دلایل مختلف آزادی آنان را در جملاتی کوتاه بیان داشتند که نشانگر میزان آشنایی ایشان با موضوعات سیاسی در سطح بین‌المللی است: «... اوضاع جهان به‌طور کلی مبهم است و وضع ایران هم معلوم نیست؛ چون پاکستان از پیمان سنتو خارج شده و پاکستان و ترکیه، شناسایی خود را از اسرائیل پس گرفته‌اند] و حجاز به طیاره‌های اسرائیلی که حامل حجاج ایرانی بوده‌اند، اجازه فرود آمدن نداده؛ و خروشچف می‌خواهد از پستش کناره‌گیری کند و اختلاف بین سران حزب کمونیست به وجود آمده. اختلاف بین چین و شوروی شدید شده و آمریکا گرفتار انتخابات و وضع داخلی خودش شده و اتحادیه اعراب در شرف تکوین و اتمام است؛ و به‌طور کلی اوضاع مبهم است؛ و به همین جهت آقایان مرخص شدند و باید از این شرایط استفاده کرد» (صحیفه امام، ج. ۱: ۲۸۴).

با این وصف حدود شش ماه پس از بازگشت امام به قم که معلوم شد دامنه نفوذ آمریکا در رژیم ایران روزبه‌روز بیشتر می‌شود تا جایی که قانون استعماری کاپیتولاسیون به دستور دربار برای آمریکایی‌ها در دو مجلس شورای ملی و سنا به تصویب رسید، امام خمینی^(ع) در ۴ آبان ۴۳ یک سخنرانی حماسی در میان انبوهی از جمعیتی که اطراف واکناف ایران به دیدار ایشان رفته بود، ایراد نمودند که منجر به تبعید ایشان به ترکیه گردید.

سخنرانی ۴ آبان سال ۴۳ امام خمینی^(۵) سرآغاز شکستن هیبت شکست‌ناپذیری قطب قدرت آمریکا لاقلاً در ایران و برخی کشورهای اسلامی بود. اوج کلام امام در این سخنرانی که مبتنی بر قاعده فقهی نفی سبیل می‌باشد جایی است که هر سه قدرتی که در سیاست خارجی خود در تاریخ معاصر ایران و جهان نقش‌های منفی زیادی به نام خود ثبت کرده‌اند یعنی انگلیس، شوروی و آمریکا را مورد حمله قرار دادند و تمرکز اصلی را روی آمریکا بردند؛ چراکه آن کشور با پشتوانه امکانات فراوان اقتصادی، نظامی و نیز جاذبه‌هایی مثبتی که داشت، اگر فقط شوروی را در مقابل خود می‌داشت، چه بسا که همان رقیب موجب قدرت گرفتن بیشتر آمریکا می‌گردید و عرصه بازی در صحنه بین‌الملل برای همگان تنگ‌تر می‌شد. به یک پاراگراف که مورد توجه افراد زیادی از ملل دیگر نیز قرار گرفت بنگریم:

«ای سران اسلام، به داد اسلام برسید. ای علمای نجف، به داد اسلام برسید. ای علمای قم، به داد اسلام برسید؛ رفت اسلام. ای ملل اسلام، ای سران ملل اسلام، ای رؤسای جمهور ملل اسلامی، ای سلاطین ملل اسلامی، ای شاه ایران، به داد خودت برس. به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه آمریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! چون دلار نداریم؟! آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر؛ اما امروز سروکار ما با این خبیث‌هاست! با امریکاست. رئیس‌جمهور آمریکا بداند- بداند این معنا را - که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما. امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما. یک همچو ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است؛ ملت ایران با او خصم است. دولت آمریکا بداند این مطلب را. ضایعش کردند در ایران؛ خراب کردند او را در ایران. برای مستشارها مصونیت می‌گیرید؟!» (صحیفه امام، ج. ۱: ۴۲۰).

در آثار امام خمینی^(۵) ۴۱۸۹ بار واژه‌هایی مرتبط با لفظ آمریکا دیده می‌شود که غالباً موضوعاتی است که آن حضرت از جهات مختلف سیاست خارجی آمریکا را در ایران و جهان به چالش کشیده‌اند.

پس از ۱۴ سال که امام خمینی^(۵) برای به ثمر رساندن انقلاب اسلامی به کشور بازگشت و انقلاب به سرعت به پیروزی رسید، معلوم داشت که می‌توان بدون تکیه بر آمریکا و بلوک غرب جزو اقمار شوروی نشد و در اوج معارضه شوروی با اسلام‌گرایی، ایران را از نیم سایه بلوک غرب خارج ساخت و به‌رغم وابستگی‌های شدید اقتصادی

تا جایی که حتی گندم نیز باید از خارج تهیه می‌شد می‌توان به استقلال سیاسی دست یافت. لذا نفس پیروزی انقلاب اسلامی و تحمل یک جنگ نابرابر بر آن و نهایت متجاوز شناخته شدن آغازگر جنگ، دلالت‌های روشنی بر این معنا است که گویی شرایط در صحنه بین‌الملل به گونه‌ای شده که دیگر تنها قطب‌های قدرت نیستند که تصمیم‌گیران اصلی هستند و نظم چهارمی آغاز شده که مختصات نظم غیر قطبی و سیال را دارد.

مختصات اصلی نظام سیال بین‌الملل

- ۱- در نظام فعلی چهار بازیگر اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از:
 - دولت‌ها؛
 - سازمان‌های بین‌المللی اعم از خصوصی، دولتی و تلفیقی؛
 - شرکت‌های چند ملیتی؛
 - نخبگان از هر قشر در هر رشته و در میان همه ملل.
- ۲- اثرات سه انقلاب موفق هند، ایران و آفریقای جنوبی هنوز بر فرهنگ کلی نظم بین‌المللی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارد.
- ۳- با فعالیت کمیته ختم استعمار سازمان ملل متحد و استقلال نسبی مستعمرات سنتی از سوئی و فروپاشی شوروی از سوی دیگر، بخش‌های عمده‌ای از عمر نظام قطبی پایان یافت و استقلال نسبی کشورهای اعمار و متحد بلوک شرق، این نظم را به‌طور چشمگیری مطلوب‌تر از نظمی ساخت که مستعمرات سنتی و توابع غرب؛ و اعمار بلوک شرق در آن‌ها زمینه بازی تنگ‌تری داشتند.
- ۴- غیرقطبی بودن این نظم موجب شده تا رفتار بازیگران به شناوری در سیالات شباهت یابد و گویی مانند قانون سیالات فشار بر هر نقطه آن به دیگر نقاط، منتقل می‌گردد؛ ضمن آنکه در نظام سیال هر ملتی به‌قدر توان و هوشیاری خود می‌تواند در سطح و حجم آن به ایفای نقش پردازد.

برخی ارزش‌های نظم سیال

موضوعات ارزشی مهم نظم سیال که هم‌اکنون برخی از آن‌ها رویکردی به گذشته نشان می‌دهند عبارت‌اند:

- ۱- در نظام‌های گذشته حاکمیت به‌گونه‌ای تعریف می‌شد که گویی دولت‌ها در صحنه داخلی برای هر تصمیمی آزاد هستند اما در نظم سیال حقوق مردم و حقوق بشر تا سطح ایدئولوژی نظم بین‌المللی ارتقاء جایگاه یافته است.
- ۲- در نظام‌های گذشته استخراج معادن و برخورداری بی‌رویه از مواهب طبیعی بدون مانع انجام می‌شد اما در نظم فعلی سازمان‌های محیط زیستی، رفتار دولت‌ها و شرکت‌های صنعتی داخلی و چندملیتی را تحت نظر قرار داده و قواعدی برای حفظ محیط‌زیست را به‌عنوان سرلوحه‌ای جهت فعالیت‌های تولیدی و صنعتی مطرح کرده‌اند.
- ۳- در سه نظم گذشته، تولید و انباشت سلاح اعم از کلاسیک و کشتار جمعی رویه معمول دولت‌ها بود که بخش عمده‌ای از امکانات ملی صرف آن‌ها می‌شد و به‌تبع مسابقه تسلیحاتی، خطر جنگ نیز افزایش می‌یافت؛ اما در نظم سیال، خلع سلاح به‌عنوان ارزش بین‌المللی در دستور کار قرار گرفت که متأسفانه چند سال اخیر آمار خرید و تولید سلاح در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که رویکرد خلع سلاح مجدداً به رویکرد مسابقه تسلیحاتی میل کرده است. ادبیات سیاسی توجیه‌گر این رویکرد نیز قابل تحلیل است. به‌عنوان مثال وقتی گفته شود «جنگ‌های آتی در خاورمیانه بر سر آب است». آنگاه دولت‌های منطقه موشک، هواپیمای جنگی، تانک و توپ می‌سازند یا خریداری می‌کنند و بخش عمده‌ای از درآمد ملی صرف امور نظامی می‌شود و مسئولین در انتظار جنگ می‌نشینند؛ اما اگر گفته شود «به علت نیمه‌خشک بودن خاورمیانه همکاری‌های آتی بر سر آب است»، چنین ادبیاتی موجب می‌شود که کارخانه‌های تولید آب‌شیرین‌کن، تولید لوله و لوازم مرتبط با انتقال آب برای همکاری کشورها و شرکت‌های چندملیتی در دستور کار قرار گیرد و به‌جای نگرانی و استرس و اضطراب انتظار جنگ، شادمانی عمومی بابت آبادی کشورها بر جان شهروندان استیلا یابد.
- ۴- در نظم سیال هر کشوری می‌تواند با همت، هوشیاری و میزان توانایی‌های علمی و تخصصی خویش امکانات بالقوه خود را بالفعل کند، مشروط به آنکه در به فعلیت رساندن آن‌ها دیگر ملل نیز منتفع گردند.
- ۵- ارتقاء مفهوم منافع ملی تا مصالح بشری؛ (سیف‌زاده، ۱۳۷۰).
- ۶- بین‌المللی‌تر شدن ارزش‌های بشری. به‌عنوان مثال پیام امام خمینی^(ره) به مسیحیان جهان موجب احیاء ارزش‌های معنوی در جهان مسیحیت جهان شد و نیز

وقتی گفتگوی تمدن‌ها از سوی جمهوری اسلامی طرح گردید به‌رغم آنکه موضوع برخورد تمدن‌ها از سوی آمریکایی‌ها تبلیغ شده بود، آنچه مورد استقبال همه ملل جهان قرار گرفت پیشنهادی بود که از سوی ایران مطرح گردید؛ اما این رویکرد نیز در معرض خطر قرار گرفته و نه تنها به‌جای ادامه نزدیکی پیروان ادیان و مستضعفین جهان به یکدیگر، گروه‌های تکفیری رشد کرده‌اند که حتی هم‌مذهب‌های خود را هم تحمل نمی‌کنند.

۷- در نظم سیال همکاری برای مبارزه با تروریسم، ارتشاء، مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر، مبارزه با تفکر مطامع به‌جای مصالح ملی، مبارزه با نژادپرستی و ملیت‌گرایی‌های شووینیستی... و در غایت همکاری و تعاون به‌جای رقابت و تخریب یکدیگر به‌عنوان مختصات اندیشه‌های جهان‌وطنی مطرح گردید اما چندی است برخی موارد فوق رویکرد ارزشی خود را فقط در حد شعار نگه داشته است.

عوامل برخی رویکردها به نظم گذشته

چندی است به سه علت اصلی نظام سیال نیز در بخش‌هایی رویکردی به ارزش‌های متصلب و قطبی گذشته نشان می‌دهد:

الف: فزون‌طلبی ذاتی هر قدرتی است که سابقه قطب بودن را داشته و در نظام قطبی مطامع آن‌ها سهل‌تر حاصل شدنی است؛ لذا در جهت قطبی کردن نظام بین‌الملل برنامه‌ریزی می‌کنند تا هرآن چه را که تصور می‌کنند از دست داده‌اند احیاء کنند. به‌عنوان مثال فرانسیس فوکویاما در سال ۱۹۸۹ نظریه‌ای با عنوان «پایان تاریخ» - به معنای هگلی - را مطرح و در سال ۱۹۹۲ م کتابی با عنوان «پایان تاریخ و آخرین انسان» منتشر ساخت (فوکویاما، ۱۳۹۵) که نظریه او بر این مبنا شکل گرفته که پس از فروپاشی شوروی نظام لیبرال دموکراسی به‌صورت یک جریان مسلط درآمده و همه کشورها و جوامع باید در برابر آن تسلیم شوند. آخرین تلاش‌ها و مبارزات ایدئولوژیک درنهایت در قالب ایدئولوژی لیبرال دموکراسی سر بر خواهد آورد؛ بنابراین تصور این‌که نظام سیاسی مناسب‌تر و بهتری جایگزین چنین نظامی شود وجود ندارد.

نظریه پایان تاریخ مورد نقد بسیاری از صاحب‌نظران در میان ملل مختلف قرار گرفت که مشهورترین منتقد آمریکایی آن ساموئل هانتینگتون استاد علوم سیاسی در دانشگاه هاروارد بود که سال‌های متمادی به‌عنوان دستیار در مؤسسات دفاعی و شورای

امنیت ملی آمریکا اشتغال به کار داشت. وی با طرح پروژه جنجالی «برخورد تمدن‌ها» ضمن نقد نظر فوکویاما از وجهی دیگر این‌گونه القا نمود که پس از جنگ سرد بین دو قطب شرق و غرب اگرچه برخوردها بین ملت‌ها به صورت جنگ تمدنی است ولی نظام بین‌الملل به رهبری آمریکا در حال تک‌قطبی شدن خواهد بود (رفیعی، ۱۳۷۸).

ب: برخی مسئولین و نخبگان سیاسی در بسیاری از کشورها بالأخص کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند وجود نظم بی‌قطب را باور کنند و اذهانشان همچنان موضوعات مبتلابه را با مختصات نظام‌های قطبی پردازش می‌کند. لذا انتخاب ادبیات سیاسی آن‌ها در منظومه نظم قطبی سامان می‌گیرد و بر راهبردهای داخلی به‌گونه‌ای اثر می‌گذارد که سیاست خارجی را نیز به‌سوی انگاره‌های نظام قطبی می‌کشاند.

ج: فاصله زمانی و به‌تبع آن ایجاد فاصله بین عواملی که موجب سه انقلاب فوق و نیز فروپاشی شوروی شد علت دیگری است که می‌تواند نظام سیال را به قطبی شدن متمایل سازد. بالأخص انقلاب‌های سیاسی، فرهنگی و اعتقادی بیشتر در معرض چنین استحال و رویکردی قرار دارند. چراکه این نوع انقلاب‌ها غالباً علیه نظام حاکم شکل می‌گیرند و علاوه بر بازماندگان و حامیان نظامی که سرنگون شده و تلاش می‌کنند خود را بازسازی و بازتولید کنند، کسانی که به‌واقع یا به توهّم خود را ناکام از مواهب انقلاب می‌پندارند، در جهت اهداف آن حرکت نخواهند کرد؛ اما مهم‌تر آنکه برخی دولتمردانی که خود در پیروزی انقلاب‌ها مشارکت فعال داشتند آرام‌آرام فراموش می‌کنند که اصل تغییر برای تحول در جایگزینی ارزش‌ها بوده و نه فقط برای جابه‌جایی حاکمان.

منابع

- بی‌نام. (۱۳۷۸). *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی*. ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بی‌نام. (فروردین - خرداد ۱۳۶۶). *مجله سیاست خارجی*، سال اول شماره ۲، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴). *روابط خارجی ایران دولت دست‌نشانده ۱۳۲۰-۱۳۵۷*. تهران: قومس چاپ ششم.

- اسکاکیل، تدا (۱۹۹۸). *انقلابات حکومتی و اجتماعی: تحلیل مقایسه‌ای بین فرانسه، روسیه و چین*. چاپ انتشارات یو کمبریج.
- پیشنه‌اد درباره سفارتخانه‌های ایران و مهار ترامپ، حسین ملائک، پایگاه خبرآنلاین، سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۶.
- جیمز ای. استریکلر (۱۳۸۱). *روسیه تزاری*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- خبرگزاری دانشجویان ایسنا، شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۶ کد خبر ۹۶۱۲۲۱۱۱۴۹۰.
- دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- روسیه: بخش مطالعه کشوری / تحقیق فدرال، کتابخانه کنگره؛ ویرایش توسط گلن. ئی. کورتیس. واشینگتن دی سی: بخش تحقیق فدرال، کتابخانه کنگره، ۱۹۹۸.
- سولژتسین، اکساندر (۱۹۷۳). *مجمع‌الجزایر گولاگ: ۱۹۵۶-۱۹۱۸*. شرکت انتشاراتی هارپر-روو، ۱۹۷۵.
- شانی‌نوف، ن. بریان (۱۳۵۲). *تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب اکتبر*. ترجمه و اقتباس خانابابا بیانی. تهران: دانشگاه تهران.
- شریفی، محمد، جعفری، محمدرضا (۱۳۸۷). *فرهنگ ادبیات فارسی*. فرهنگ نشر نو تهران.
- فابریکانس، جونبور، چارلز اچ. (۱۹۹۹). *فئودالیزه کردن حکومت*. ژورنال دموکراسی
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۵). *پایان تاریخ و انسان واپسین*. ترجمه: عباس عربی و زهره عربی، تهران: انتشارات سخنکده.
- قادری، سید علی (۱۳۷۰). *مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- قادری، سید علی (زمستان ۱۳۸۰). «پیام امام خمینی^(ع) به آقای گورباچف و تأثیر آن در نظام سیال بین‌الملل». *فصلنامه حضور*، شماره ۳۸.
- کوهن، استفان اف (۱۹۸۵). *بازاندیشی تجربه شوروی: سیاست و تاریخ از سال ۱۹۱۷*. نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- ماس، والتر جی (۲۰۰۲). *تاریخ روسیه*، جلد ۱: تا سال ۱۹۱۷ چاپ دوم، انتشارات آنتم.
- مانینگ، روبرتا (۱۹۸۲). *بحران نظام سابق روسیه: طبقه اشراف و دولت*. انتشارات دانشگاه پرینستون.
- محمد جمشیدی گوهری، مصاحبه با روزنامه شرق تاریخ انتشار ۴ دی‌ماه ۱۳۹۲.
- معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۶۷.

- میشل دوسن پیر (۱۳۵۶). *سرگذشت خاندان رومانف (تاریخ روسیه از سال ۱۵۴۷ میلادی تا انقلاب و سقوط تزارها)*. ترجمه محمدعلی معیری و عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی^(ره) قدس سره تولید مشترک مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره) و مؤسسه کامپیوتری نور، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- والتر، کلنل (۱۳۸۲). *تاریخ روسیه از پیدایش تا ۱۹۴۵*. ترجمه و مقدمه نجفقلی معزی، به کوشش علی‌اصغر عبداللهی، تهران: دنیای کتاب.
- وود آلن (۱۳۸۱). *میراث مبهم استالین و استالینیسیم*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: نشر خجسته، چاپ اول.
- ویلیام، کولب، جولیوس، گولد. *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام و همکاران، نشر مازیار.